

## زندگی همین لحظه هاست

نویسنده: عباس اقبال اشتیانی

نثر: ساده و روان

آثار: تاریخ مغول، وزیرای سلاجقه

## واژه های مهم

تجاوز: ستم، زورگویی	تلف: نابود
اعظم: بزرگ تر	تردید: شک، دو دلی
غفلت: فراموشی	صرف: به کار بردن
منها: کم کردن	اثنا: میان، بین
اضطراب: پریشان حالی	حیرت: تعجب، سرگردانی
مصاحبت: هم نشینی	حیات: زندگی
اعجاب: تعجب	حک: تراشیدن، کنده کاری
عبرت: پند گرفتن	تامل: فکر کردن

## بیت های متن:

## بیت اول:

از دی که گذشت هیچ ازو یاد مکن فردا که نیامده ست فریاد مکن

دی: دیروز

نثر روان: از دیروز که گذشت دیگر یاد مکن و نگران فردا نباش که هنوز نیامده است.

## بیت دوم:

بر نامده و گذشته بنیاد مکن حالی خوش باش و عمر بر باد مکن

نامده: آینده

حالی: اکنون، حالا

نامده و گذشته: ← تضاد

بر باد کردن: ← کنایه از بیهوده نابود کردن

نثر روان: زندگی ات را به خاطر گذشته و آینده نابود نکن، از لحظه ی حال که در آن به سر میبری، لذت ببر و عمرت را نابود نکن.

## دانش زبانی: فعل اسنادی

به فعل هایی مانند « **است، هست، نیست، بود، شد، گشت، گردید** » که برای نسبت

دادن چیزی به چیز دیگر به کار می روند، فعل **اسنادی** می گویند.

مثال:

کلاس، تمیز است. « است: فعل اسنادی »      زهرا خوشحال شد. « شد: فعل اسنادی »

دوستانم خندان بودند. « بودند: فعل اسنادی »      هوا سرد گشت. « گشت: فعل اسنادی »

**نکته ۱:** فعل های « است، بود، شد، گشت و..... » در حالت جمع نیز، فعل اسنادی هستند.

مانند: هستند، بودیم، شدند، گشتیم

**نکته ۲:** فعل های « است »، « نیست »، « هست » و « بود » هر گاه معنای وجود داشتن بدهند فعل

اسنادی نیستند.

مانند: کتاب روی میز هست. در این جمله فعل « هست » اسنادی نیست.

**نکته ۳:** فعل های « گشت » و « گردید » هرگاه به معنای « چرخیدن » باشند، فعل اسنادی

نیستند.

مانند: دوستم خوشحال هست. در این جمله فعل « هست » اسنادی است.

مانند: هوا ابری گشت. در این جمله « گشت » فعل اسنادی است.

مانند: مسافر دور خود گشت. در این جمله « گشت » فعل اسنادی نیست.